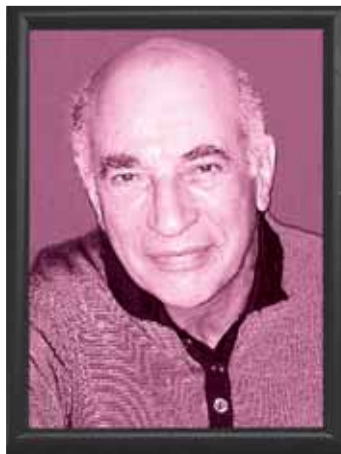


چه نامی بهتر از برهان!

کارهای ارزنده بزرگانی چون استاد دکتر پرویز شهریاری را می‌ستاید و یاد و خاطره ایشان را گرامی می‌دارد.

۱۰۰ شماره، هر شماره حدود ۵۰ صفحه و هر صفحه حدود ۵۰۰ کلمه و نماد! آن‌ها که با کار نشر سروکار دارند، همت بلند این نویسندگان زبردست و شیفتگان ترویج علم و ریاضیات را ارج می‌نهند و تداوم تلاششان را آرزو می‌کنند. از پیشنهاد مطرح شده در نشست مورخ دهم خردادماه سال ۱۳۹۵ در «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» در خصوص چاپ و نشر «افسانه پادشاه و ریاضی‌دان» به سبک داستان در چند شماره پایانی ماهنامه استقبال کردم و از هم‌اکنون مقدمات اجرای آن را فراهم آورده‌ام. امیدوارم این مهم در یکی از شماره‌های فصل پاییز آغاز شود، پس از یکی دو سال پایان یابد و مجموعه آن به صورت کتابی پرکشش در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.



دکتر مهدی بهزاد
چهره ماندگار ریاضی ایران
و استاد بازنشسته دانشگاه‌های کشور

ضمن توجه به ظاهر جذاب آن، روی برخی از مقالات تعمق می‌کند، کارنامه این بزرگان را بس درخشان می‌داند و به تکتک آنان درود می‌فرستد. همچنین

کارنامه‌ای بس درخشان

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی «رشد برهان ریاضی» که برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم منتشر می‌شود، به صدمین شماره خود رسیده است. جا دارد به همین مناسبت یکی از دست‌اندرکاران محترم، تاریخچه و فراز و نشیب‌های این مجله پرآوازه را بنویسد و چاپ و منتشر کند. نویسنده که افتخار آشنایی با سردبیر محترم مجله، حمیدرضا امیری، و مدیر داخلی آن، هوشنگ شرقی و بسیاری از اعضای فرهیخته هیئت تحریریه را دارد و گه‌گاه که به شماره‌های تازه از مجله دست می‌یابد،

من اولین مقاله ریاضی‌ام را در همان نشریه (که بیشتر از چهار شماره دوام نیارود) به چاپ رساندم (معادله درجه سوم و کلیدی دیگر). با وجود آنکه کیفیت چاپ و نگارش و طراحی مجله بسیار ابتدایی بود، ولی اولاً مطالب آن درخور اعتنا بود و ثانیاً استقبال بسیار خوبی هم از طرف دانش‌آموزان منطقه و حتی منطقه‌های مجاور از آن به عمل می‌آمد که البته بیانگر حقایق بسیاری است.

بعد از آنکه آن جمع و نشریه‌شان از هم گسست، اشتیاق من برای پیوستن به یک مجله ریاضی و ادامه آن کار ناتمام، صدچندان شد. در همان سال‌ها بود که با «مجله یکان» که توسط مرحوم **عبدالحسین مصحفی** و در فاصله سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۲ منتشر می‌شد، آشنا شدم و نسخه‌هایی از آن را دیدم و این سؤال بزرگ برایم پیش آمد که: چرا بعد از این همه سال نباید یک ماهنامه ریاضی ثابت و فراگیر در کشور ما منتشر شود؟



هوشنگ شرقی
مدیر داخلی و عضو هیئت تحریریه مجله

منطقه ۱۰ آموزش و پرورش تهران فعالیت می‌کردیم و با حمایت مسئول این بخش - که از مسئولان فعلی مجله «رشد» است - نشریه‌ای دست‌نویس را در چند صفحه منتشر می‌کردیم و اسمش را هم گذاشته بودیم: «چرتکه» که گاهی بچه‌ها به طنز می‌گفتند: «چرتکه که!»

برهان گنجی گرانمایه!

پیرما ما را سخن گفتن بیاموخت
من به او عهدی گرانمایه ببستم
بهر ما گنجی گرانمایه بیندوخت
من به او و راه و رسمش دل ببستم

از آن هنگام که خودم را شناختم، فهمیدم به نوشتن تعلق خاطری دارم و این را از تشویق معلمانم در درس ادبیات و انشا بیشتر متوجه می‌شدم. اما نخستین مطلبی (مقاله‌ای) که درباره ریاضیات نوشتم، داستانی دیگر دارد و روایت آن به سال ۱۳۶۹، یعنی ۲۶ سال قبل برمی‌گردد. آن زمان، جمعی از دوستان علاقه‌مند به ریاضی بودیم که در گروه‌های آموزشی اداره

آشنایی من با برهان (از برهان راهنمایی تا دبیرستان!)



محمد طبیعی

دانشجوی رشته برق - دانشگاه صنعتی شریف

شده است. این انسان‌ها ظاهر، فکر، عقیده و استعدادهای...؛ در ادامه همین بحث بود که آقای عرفانی مجله رشد را به عنوان منبعی خوب به ما معرفی کرد و گفت: «می‌توانید علاقه‌های خود را با آن محک بزنید.» از آنجا

آشنایی من با مجله برهان به هفت سال پیش باز می‌گردد؛ زمانی که من در پایه دوم راهنمایی تحصیل می‌کردم. آن سال درسی به نام «اجتماعی» داشتیم که به آموزش ضوابط و ویژگی‌های جامعه می‌پرداخت.

آقای عرفانی، معلم اجتماعی ما، فرد جوان و آگاهی بود. دقیقاً یادم نمی‌آید که در کدام درس بودیم، ولی بحث پیرامون خدماتی بود که جامعه به مردم ارائه می‌دهد؛ مانند ساختن مسجد، ورزشگاه، پژوهشگاه، کتابخانه و...

مضمون جملات ایشان چنین بود: «جامعه از مردم و از انسان‌های مختلفی تشکیل

که من به ریاضی بیشتر از علوم علاقه داشتیم، مجله ریاضی رشد برهان را انتخاب کردم. در اواسط آذر بود که مدرسه این مجله را به من داد. تا قبل از آن جز کتاب ریاضی مدرسه و یک کتاب کار که به پیشنهاد معلم ریاضی تهیه کرده بودیم، هیچ چیز دیگری در زمینه ریاضیات مطالعه نکرده بودم. به همین خاطر، این مجله برایم تازگی و جذابیت خاصی داشت. من واقعا از خواندن مجله ذوق زده شده بودم. تقریباً از آن دوران به بعد خواننده پیگیر برهان شدم و آرشبو چهار سال این مجله را به طور کامل دارم. به واسطه مطالعه این مجله با بحث‌های زیادی آشنا شدم. مقالاتی مانند «المپیاد ریاضی در کشورهای مختلف»، «با راهیان المپیاد ریاضی» و «پای تخته» باعث آشنایی من با سوالات المپیاد ریاضی و فعالیت من در این زمینه شد. در نهایت جا دارد که از مسئولان و دست‌اندرکاران مجله که انصافاً برخورد بسیار خوبی با این حقیر داشتند و مشوق من در این عرصه بودند هم سپاس‌گزاری کنم.

که طی بیش از دو دهه انجام گرفت و به یاری خدای منان و لطف مسئولان «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» وزارت آموزش و پرورش، بالاخره این آرزو از مهرماه سال گذشته محقق شد. اکنون یک آرزوی دیگر دارم و امیدوارم روزی را بینم که یک مجله ریاضی کثیرالانتشار در پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها عرضه شود و مانند یکان، دانش‌آموزان برای رسیدن آن لحظه‌شماری کنند، برای خریدن آن صف بکشند و چه بهتر که نام آن برهان باشد! به امید آن روز و به امید انتشار دویستمین شماره برهان!

شادباد روزگارتان

خدمت‌گزار همه جوانان سرزمین پاک ایران

* پی‌نوشت‌ها.....

۱. قبل از انقلاب، وقتی کلاس اول راهنمایی بودم، دبیر ادبیاتمان که علاقه‌ای وافر بین ما بود، نوشتن انشایی با عنوان «می‌خواهید در آینده چه‌کاره شوید؟» را به ما تکلیف کرد. انشایی نوشتم که به عنوان بهترین انشای آن دوره انتخاب شد و در آن نوشتم که می‌خواهم در آینده، معلم و نویسنده شوم!
۲. روزنامه شرق، ویژه‌نامه سالگرد گذشت زنده‌یاد پرویز شهریاری، شماره ۱۷۳، یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۲، صفحه ۸، با عنوان «کسی که مثل هیچ‌کس نیست»

برهان را یکی از عزیزترین داشته‌هایم دانسته‌ام و از اینکه می‌دیدم در بعضی محافل خاص، گاهی عده‌ای از سر حسادت یا نادانی، به این مجله و ساحت آن بی‌حرمتی کرده‌اند، سخت برافروخته می‌شدم. چرا که باور داشته‌ام، وجود یک مجله ریاضی در کشور، حتی با شمارگان اندک، و حتی اگر باعث تحول فقط یک نفر (دانش آموز، معلم و یا...) بشود و او را به رشته ریاضی علاقه‌مند کند، مغتنم است و به توسعه فرهنگ علمی ایران عزیز ما کمک می‌کند. چه رسد به مجله‌ای که بسیاری از فرهیختگان عرصه فرهنگ به تناوب در آن قلم زده‌اند، که زنده‌یاد شهریاری گل سرسبد آنان بود. من به راستی به او و راه و رسمش دل بسته بودم و شعری که در مطلع این نوشته آمد، ادای دین من به این بزرگوار است.

از ابتدای تولد برهان، که بخشی از آرزوهای ما را در ایجاد یک نشریه ثابت ریاضی برآورده کرد، آرزوی دیگر من این بود که روزی برهان ماه‌نامه شود و جای خالی مجله یکان را پر کند. بعد از تلاش‌هایی

به همین خاطر بود که وقتی در همان ایام و از سال ۱۳۷۰ انتشار مجله «رشد برهان ریاضی» به همت آقای امیری و دوستان دیگر آغاز شد، بی‌نهایت مسرور شدم. به خصوص وقتی نام آشنای استاد پرویز شهریاری را هم در میان همکاران مجله دیدم، خوش‌حال‌تر شدم و کوشیدم با مجله و نیز با استاد شهریاری ارتباط برقرار کنم. حاصل این تلاش، آن‌گونه که در ویژه‌نامه یکی از روزنامه‌ها که برای یادبود استاد منتشر شد، گفتم، رسیدن به استاد و مجله برهان و عضویت در هیئت تحریریه آن در سال ۱۳۷۵ بود. نخستین مقاله‌ام در برهان ۲۷ را هرگز فراموش نمی‌کنم: «معماهایی با ماهیت ریاضی» که به جد باور دارم، از بهترین مقاله‌هایی است که در تمام این سال‌ها نوشته‌ام.

در این ۲۰ سالگی که در هیئت تحریریه برهان بوده‌ام، همواره (چه آن هنگامی که عضو هیئت تحریریه بودم، و چه در این چند سال اخیر که مدیر داخلی مجله هم بوده‌ام) مجله